



کاهش نرخ ارز در جهان و افزایش آن در ایران

دوشنبه، ۱۳۹۰/۰۳/۰۹

در حالی که بانک مرکزی ایران روز پنجشنبه، پنجم خرداد، نرخ فروش دلار را ۱۰۶۴ تومان تعیین کرده بود، مردم برای خریدن دلار به قیمت بالای ۱۲۰۰ تومان، صف‌های طولانی‌ای در مقابل صرافی‌ها تشکیل داده بودند.

روز گذشته هفتم خردادماه سال جاری محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی ایران، این شایعه را که دولت ارز کافی در اختیار ندارد، تکذیب کرد و هم‌چنین وعده داد که تا دو میلیارد دلار ارز به بازار تزریق خواهد کرد تا قیمت کاذب دلار را بشکند.

رئیس بانک مرکزی گفت: «این بسیار بد است که در یک کشوری، مردم برای به‌دست آوردن ارز کشور دیگری صف ببندند.»

اما مشکل در کجاست؟ چرا در حالی که جهان با کاهش ارزش دلار مواجهه است، در ایران شاهد افزایش آن هستیم؟

در گفت‌وگو با دکتر پدرام سلطانی، عضو هیئت نمایندگان اتاق‌های بازرگانی صنایع و معادن تهران و ایران و هم‌چنین دکتر حمید احمدی، از فعالان اقتصادی و از اعضای سابق هیئت نمایندگی اتاق بازرگانی تهران به مسئله ارز و علت افزایش فعلی قیمت آن در ایران پراخته شده است. **پدرام سلطانی:** این مسئله دوتا علت اصلی دارد: یک علت آن همین تحریم‌هاست که باعث دو نرخی شدن ارز شده است. یعنی ارزی که خارج از کشور خرید و فروش می‌شود یا امکان خروج از کشور را دارد؛ یعنی «اسکناس» که کسی می‌تواند توی جیبش بگذارد و با خود ببرد، افزایش پیدا کرده است.

برای تجارت بین‌الملل و برای گردشگری نیاز به این نوع ارز هست و به جهت محدودیت‌های ناشی از تحریم هم جابه‌جا کردن ارز مشکل شده و هم این شکاف قیمتی به‌وجود آمده است.

علت دوم هم همان «انتظار افزایش» است و نوعی سرمایه‌گذاری، به‌زعم کسانی که دلار خریداری می‌کنند.

این شایعه که دولت الان کمبود ارز دارد، درست است؟

چیزی که مسلم است، بانک مرکزی به واسطه افزایش چشمگیر قیمت نفت در چندسال گذشته و خرید ارز حاصله از دولت و دادن رالا به دولت، ذخایر ارزی خوبی دارد. بنابراین، جای سؤال و نگرانی وجود ندارد که به‌دلیل نبود ذخایر ارزی، قیمت آن افزایش پیدا کرده است. آن‌چه مثلاً در سال ۱۳۷۴ اتفاق افتاد، موضوع کاهش ذخایر ارزی کشور بود.

امروز آقای بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی گفته‌اند که افزایش مالیات بر ارزش افزوده، در مورد سکه و طلا، یکی از عوامل کمبود ارز در بازار است و گفته‌اند مردمی که برای نگهداری و پس‌انداز، سکه می‌خریدند، بعد از بالا رفتن قیمت سکه، ترجیح دادند که ارز نگهداری کنند.

بله این امر محتمل است. موضوع اعمال مالیات بر ارزش افزوده در معامله طلا و سکه، طبیعتاً سوداگران یا کسانی را که می‌خواهند نوعی سرمایه‌گذاری کنند، به سمت دلار سوق می‌دهد.

نظر شما در این مورد چیست؟ آیا این کار لازم بود؟

به‌طور کلی آن اعمال مالیات بر ارزش افزوده به معامله طلا، به نظر من، کار درستی بود. البته من معتقدم که مالیات بر ارزش افزوده به کالاهایی که شبه‌نقد محسوب می‌شوند، مانند فلزات قیمتی، می‌بایست پایین‌تر از میزان مالیاتی باشد که بر کالاهای مصرفی تعلق می‌گیرد. چون به‌هرحال آن‌ها نوعی پول محسوب می‌شوند. شاید مالیات یک‌درصد و یا حداکثر دودرصد برای آن می‌توانست مناسب باشد. اما حالا چهاردرصد را گذاشته‌اند.

ولی نفس کار، کار درستی است. باید مالیات گذاشته شود که این‌گونه خرید و فروش‌ها از حالت سرمایه‌گذاری یا حالت احتباس دلار و شبه‌نقد خارج شود و به یک جریان عادی خرید و فروش تبدیل شود. البته اگر این اعمال مالیات بر ارزش افزوده در شرایطی انجام می‌شد که ما مشکل تحریم نداشتیم، چنین اتفاقی نمی‌افتاد. یعنی اثری روی دلار نمی‌گذاشت؛ به جهت این‌که دلار را بانک مرکزی در هرجایی می‌توانست عرض کند و مشکلی نبود. اما در این شرایط اتفاق افتاده و انتظار مردم هم این است که دلار مجدداً افزایش پیدا کند و طبیعتاً از طلا رفته‌اند به سمت دلار.

تصمیم دولت برای تزریق دلار به بازار، آیا تصمیم صحیحی است؟

صحیح بودن آن برمی گردد به رویکرد بانک مرکزی. یعنی اگر بانک اصرار داشته باشد که قیمت ارز را کنترل کند، صحیح قلمداد می شود، اما اگر فکر کند که در شرایط فعلی، افزایش قیمت ایرادی ندارد، بحث دیگری است. خود من معتقدم که نیازی به کنترل ارز نیست. چون طبیعتاً ارز گران تر باعث می شود که صادرات ما توجیه اقتصادی بیشتری داشته باشد، واردات توجیه کمتری پیدا کند و در واقع تراز ارز حاصل از گردشگری و ورودی و خروجی ماست.

ولی بانک مرکزی ما بر این اعتقاد است که باید نرخ را کنترل کند. بنابراین ارز را به بازار تزریق می کند و این کاری است که بانک های مرکزی در کشورهای دیگر دنیا هم بر مبنای سیاست خودشان و جهت گیری شان انجام می دهند.

بخش خصوصی و همین طور شخص شما، همیشه انتقاداتی به سیاست های اقتصادی آقای احمدی نژاد داشته اید. امروز آقای احمدی نژاد از جانب متحدین دیروز خود نیز مورد این انتقاد قرار دارد. آیا انتقاداتی که بخش خصوصی داشت، همان انتقاداتی است که امروز همراهان سابق آقای احمدی نژاد دارند؟

انتقاداتی را که من از جانب مسئولین و قوای دیگر شنیده ام و در روزنامه ها و جراید خوانده ام، به نظرم خیلی نزدیک است به انتقادات بخش خصوصی. یعنی در عمل بخش خصوصی مشکلات را خیلی در قانون نمی بیند. بنابراین با مجلس در ارتباط با مسائل اقتصادی اختلاف نظر زیادی ندارد؛ با قوه قضاییه هم همین طور.

چون بخش خصوصی معتقد است که باید شفافیت افزایش پیدا کند؛ فساد اداری و همین طور رانت ها کاهش پیدا کنند. قوه قضاییه هم، حداقل در اظهارات مسئولان آن شنیده ام که این موارد را تأیید می کند. بنابراین من فکر می کنم که انتقادات بخش خصوصی، ارتباط های قابل توجهی به انتقادات دیگر مسئولین در قوای دیگر دارد.

یعنی امیدوار هستم که بعد از این نظریات بخش خصوصی، در تدوین سیاست های کلان، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد؟ نه! نمی توانم بگویم که امیدوار هستم. به جهت این که این تأییدها و موافقت ها و یا تشابه نظرها قبلاً هم وجود داشته است. شاید الان به جهت بعضی از رویکردهای سیاسی دولت، مجلس و بقیه قوا نسبت به همدیگر، قدری پررنگ تر به نظر می رسد. این ها بازی های سیاسی هستند، ولی این نوع انتقادات قبلاً وجود داشته است. در مجلس، در تصویب بودجه سنواتی، در تصویب برنامه پنجم، در اظهارنظرهای سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، قوه قضاییه و ... این انتقادها را به کرات می دیدیم. اما به تازگی انگار تنور آن مقداری داغ تر شده است.

منظورتان این است که به معنای بهبود وضعیت بخش خصوصی در آینده نخواهد بود؟

اگر باعث بشود که اصلاحاتی به عمل بیاید و رویه های موجود قدری تعدیل بشود، قطعاً خوب است. ولی اگر صرفاً بخواهد فضایی باشد برای این که نیروهای مختلف و مسئولین مختلف همدیگر را متهم کنند، به نفع بخش خصوصی نیست. حتی شاید دودش هم در چشم بخش خصوصی برود. یعنی اگر التهابات بالا بگیرد، امکان دارد ثبات، حداقل در فکر و روان بخش خصوصی! خدشه دار بشود.

دولت باید در بازار دخالت کند!

بخش خصوصی در ایران به پایین نگاه داشتن قیمت ارز توسط دولت همیشه معترض بوده است، اما دکتر حمید احمدی، فعال اقتصادی و عضو سابق اتاق بازرگانی تهران، خلاف این فکر می کند.

حمید احمدی: من ابتدا دوتا نکته را توضیح بدهم: یکی این که قیمت ارز آیا پایین است، یعنی پایین نگه داشته شده یا نه؟ واقعیت امر این است که این طور نیست. ما در کشور قیمت مدیریت شناور داریم و دلاری که چهار سال پیش ۸۵۰ تومان بود، امروز در بازار آزاد ۱۲۰۰ تومان است. بعضی ها معتقدند که تورم خیلی بیشتر از این بوده، اما نکته ای که برخی به آن توجه نمی کنند، قدرت خرید خود دلار است. پنج سال پیش، قیمت یک دلار ۸۰ سنت اروپا (یورو) بود، اما الان قدرت خرید یک دلار به شدت کاهش پیدا کرده است. یعنی ۷۰ درصد از قدرت خریدش را در تمام دنیا از دست داده است ...

... و از آن جایی که مبادلات ایران با یورو است، دلار خود به خود گران تری را دارد مصرف می کند.

اگر توجه کنیم، دلاری که ما ۱۲۰۰ تومان می خریم، قدرت خرید آن نصف زمانی است که ۸۰۰ تومان بود. با در نظر گرفتن این نکته، دلاری که الان معامله می شود را باید ۲۴۰۰ تومان حساب کرد و نه ۱۲۰۰ تومان.

با توجه کردن به قیمت یورو، مسئله بیشتر مشخص می شود. یوروی ۷۰۰ تومانی، امروز ۱۷۰۰ تومان است. یعنی در عرض چهار یا پنج سال گذشته، هر یورو، ۱۰۰۰ تومان گران تر شده و نرخ مبادله اش تغییر کرده است.

بانک مرکزی نرخ مبادله را بر اساس سبد ارزی دارد تعیین می‌کند و نه بر اساس نرخ دلار و این کار را تقریباً از شش سال پیش آغاز کرده است، اما هنوز که هنوز است بخش خصوصی و خیلی از افرادی که با مسائل اقتصادی شاید آشنا نیستند، عنوان می‌کنند که نرخ دلار ثابت بوده و یا تغییراتش کمتر از تورم موجود بوده است.

در واقعیت این‌طور نیست. قدرت خرید یک دلار امروز، در سطح بین‌الملل، پنجاه درصد قدرت خرید یک دلار پنج سال پیش است. به این ترتیب، با توجه به این‌که این اتفاق خارج از کنترل دولت افتاده است، آیا سیاست‌هایی وجود نداشت که نتایج بهتری را دربر داشته باشد؟

اگر ما کالاهای مان را از آمریکا می‌خریدیم و تحریم نبودیم، یک شانس بزرگ داشتیم. یعنی این‌که با همین دلار می‌توانستیم از آمریکا جنس بخریم و جنس آمریکایی برای مان ارزان می‌شد، اما چون ما بیشترین جنس مان را از خاور دور و بعد از آن، از اروپا می‌خریم، هم یورو و هم ارزهای خاور دور (یوان، ین و غیره) حدود پنجاه درصد، نسبت به دلار افزایش قیمت داشته‌اند.

نرخ واقعی دلار، با در نظر گرفتن قدرت خریدش و یا نرخ مبادله‌اش نسبت به یورو و ارزهای معتبر جهانی، در تمام دنیا کاهش پیدا کرده، اما در کشور ما نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه افزایش هم داشته است. اگر این نکته را در نظر بگیریم، نرخ واقعی دلار ما، نسبت به قدرت خرید هشت سال پیش آن، ۲۴۰۰ تومان است و نه ۱۲۰۰ تومان.

به‌هر حال آن‌طور که در خبرها آمده، دولت تصمیم دارد تا دومیلیارد ارز وارد بازار بکند و از بالا رفتن بیشتر قیمت جلوگیری کند. بسیاری از کارشناسان بخش خصوصی، همان‌طور که می‌دانید، با دخالت دولت در این امر مخالفند. نظر شما در این مورد چیست؟

به‌هر حال مسئله عرضه و تقاضاست و مدیریت دولت باید از افزایش و یا سقوط چشمگیرش جلوگیری کند. یعنی حداکثر نوسانی که قابل قبول است، بین دو تا چهار درصد است. اگر نوسان شدیدتر از این باشد، دولت باید در بازار دخالت کند. امروز نرخ ارز آزاد و نرخ ارز در بانک مرکزی، حدوداً ۱۳ درصد اختلاف دارد و لازم است که عرضه ارز خارجی بیشتر بشود.

از طرف دیگر، اتفاق دیگری هم افتاده است و آن این‌که واردکنندگان، به‌خصوص تولیدکنندگانی که مواد اولیه از خارج وارد می‌کنند، هم دلار یا یورو گران‌تری دریافت می‌کنند و هم این‌که هزینه مبادله‌شان افزایش پیدا کرده است.

به این معنا که ما مستقیماً نمی‌توانیم از بعضی از کشورها و به‌خصوص کشورهای اروپایی خرید کنیم. بلکه باید بین ۱۰-۵ درصد پول بیشتری به دست‌ها در کشورهایمانند ترکیه و امارات بدهیم و تازه اگر شانس بیاوریم، کالاهای مان را از این طریق از اروپا دریافت کنیم.